

## اخلاق امید؛ الزامات و پیامدهای «امید صادقانه»

### با نظر به بیانیه گام دوم

رحیم دهقان<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

#### چکیده

امید، از جمله مؤلفه‌های محوری در سخنان مقام معظم رهبری، به ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب است، ایشان در این بیانیه از دو عنصر «امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی» و «امید کاذب و فریبنده» سخن گفته‌اند. سؤال این است که ایشان کدام نوع امید و امیدآفرینی را با چه شرایط و الزاماتی امید صادق و چه امیدی را کاذب می‌دانند. فرضیه تحقیق این است که رهبر انقلاب مطابق با روایات اسلامی و سنت دینی، الزامات و آدابی را برای امیدآفرینی در جامعه مد نظر دارند که در صورت بی‌توجهی به آنها، فرایند و روش‌های امیدآفرینی ممکن است مضراتی چون آسوده‌دلی و بی‌خیالی، یأس و آرزواندیشی نامعقول، بهره‌وری دشمنان از پروژه نامیدسازی، و ایجاد روان‌پریشی ناشی از تحقق نیافتن آرزوها را در بین لایه‌های جامعه و اقشار مختلف مردم، در پی داشته باشد. تفحص در متون روایی و دیدگاه رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد که، مقرون بودن امید با عمل، توحیدی بودن، همگام بودن با خوف، واقع‌بینانه بودن و... از جمله آداب امیدآفرینی و ایجاد روحیه امید است که می‌توان براساس آنها از امید صادقانه سخن گفت. از این رو، مسئولان نظام و آحاد مردم باید از امیدبخشی‌های نامعقول و واهی، امیدهای کاذب و غیر مبتنی بر واقع، و امیدآفرینی‌های مقطعی و مصلحت‌اندیشانه پرهیز کنند تا جامعه بتواند در مسیر صحیح پیشرفت گام بردارد.

#### واژگان کلیدی

اخلاق امید، امیدآفرینی، فضیلت، واقع‌بینی.



مقوله «امید» قوه محرکه اصلی انسان، مایه شجاعت و عامل نشاط و تحرک اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب، اسلام را دین امید می‌دانند و معتقدند مسلمان واقعی، انسانی سرشار از امید است (بیانات در صحن جامع رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، امید را «کلید اساسی همه قفل‌ها» دانسته‌اند. به طور کلی، در نظام فکری ایشان و نظام کلان ساختاری حکومت انقلابی، مؤلفه «امید» جایگاه محوری دارد؛ به نحوی که از نظر ایشان، بیشترین همت امام خمینی (ره)، امید دادن به مردم بوده است. ایشان در بیانات خود در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای دولت به صراحت بیان می‌دارند: «اولویت اول برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید.» (۱۳۹۴/۶/۴). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند: «پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته و می‌دارم» (بیانیه گام دوم انقلاب).

مراد ایشان از امید صادق و متکی بر واقعیت‌های عینی چیست؟ کدام نوع امید را می‌توان امید صادق و کدام یک را امید کاذب و غیرواقعی دانست؟ به بیان دیگر، مهم‌ترین شرایط حقیقی بودن و صادق بودن امید چیست؟ مطابق این سخن، هر نوع امید و امیدآفرینی، پسندیده و هر نوع سازوکاری برای ایجاد امید در جامعه، مورد پذیرش نیست. از این رو، سؤال اصلی در این تحقیق این است: اخلاقِ مواجهه با امید و سازوکار تحقق آن چگونه است و در قالب چه سازوکاری باید امید فضیلت‌مندانه و صادق را از امیدهای واهی و فریبنده تشخیص داد؟ در پژوهش حاضر، این سؤال براساس اندیشه‌های رهبر انقلاب مورد بحث قرار گرفته و فرضیه تحقیق این است که پذیرش و ستایش مطلق امید، مد نظر رهبر انقلاب نیست و می‌توان از امید خوب و بد یا فضیلت‌مندانه و ردیلت‌مندانه سخن گفت. امیدآفرینی، اخلاق و آداب مخصوص به خود را دارد و هر نوع امیدی، امید ممدوح نیست و برخی از انواع رجاء، نسبت به برخی دیگر، از فضیلت بیشتری برخوردارند. به تعبیر مرحوم فیض کاشانی برخی از امیدها ستوده و برخی دیگر چنین نیستند (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۵۲). در جهت تحلیل و بررسی این فرضیه تلاش می‌شود تا ضمن بررسی اخلاقی محاسن و معایب



امیدواری از نظر متون روایی، اخلاق امید یا الزامات و شرایط لازم برای ایجاد امید، شناسایی شود و براساس رویکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد تحلیل قرار گیرد.

### مفهوم‌شناسی امید و مفاهیم مشابه

امید معادل «رجاء» در فرهنگ عرب است. رجاء یا امید، گمان و پنداری است که اقتضای رسیدن به شادی در آن هست (راغب اصفهانی، ج ۲، ۱۳۷۴، ۵۴). در تعابیر لغت‌شناسان آمده است که «رجاء و خوف متلازم‌اند» (زبیدی، ج ۱۹، ۱۴۱۴ق، ۴۵۰) و در نظر برخی دیگر این دو واژه مترادف هستند و به انسان «راجی» گفته می‌شود؛ زیرا نگران است که آنچه در پی آن است به دست نیآورد. (فیومی، ج ۲، ۱۴۱۴ق: ۲۲۱). در مقابل این مقوله واژه «یأس» است (زبیدی، ج ۱۹، ۱۴۱۴ق: ۴۵۰؛ طریحی، ج ۵، ۱۳۷۵: ۳۱۰؛ ابن منظور، ج ۱۴، ۱۴۱۴ق: ۳۰۹). هم‌چنین مقوله «فُئُوط» در ادبیات عرب، به عنوان واژه ضد رجاء دانسته شده است. برخی لغت‌شناسان واژه «امل» یا به تعبیر فارسی، «آرزو» را با واژه امید یکسان دانسته‌اند<sup>۱</sup> و بر این اساس، می‌توان امید را نوعی آرزو نیز دانست.

واژه امید یا رجاء دو خصوصیت کلیدی دارد که دایره معنایی و کاربرد آن را بیشتر روشن می‌سازد: نخست اینکه این واژه، از جمله مفاهیمی به شمار می‌رود که کاربرد آن بیشتر در حیطه انسان است. برای نمونه، این اصطلاح در مورد خداوند نمی‌تواند معنای خاصی داشته باشد.<sup>۲</sup> دوم اینکه این اصطلاح، مفهومی تشکیکی است و لذا در متون روایی از بهترین امید با تعبیر «أَفْضَلِ الرَّجَاءِ» (کلینی، ج ۷، ۱۴۱۹ق: ۶۴۵) و به صورت افعال تفضیل استفاده شده و این امر نشان‌دهنده مراتب ارزشی رجاء در فضیلت‌مندی است.

### ویژگی‌های امید صادقانه در متون روایی شیعی

طبیعی است اندیشه‌های راهبردی رهبر انقلاب، مبتنی بر مبانی اسلامی و متّخذ از متون معتبر دینی است. بر همین اساس، اگرچه ایشان به صراحت در باب امیدآفرینی و الزامات آن نظریه‌پردازی نکرده‌اند، اما می‌توان اصول نگاه ایشان به مقوله امید را متّخذ از متون روایی و دینی دانست. از این رو، باید دید مهم‌ترین اصول و آدابی که برای امید و امیدآفرینی در

۱. «الْأَمَلُ وَالرَّجَاءُ شَيْءٌ وَاحِدٌ: آرزو و امید یک چیز هستند»، (زبیدی، ج ۱۴، ۱۴۱۴ق: ۳۰).  
۲. «إِنَّ الظَّمْعَ وَالرَّجَاءَ لَا يَصِحُّ مِنَ اللَّهِ: طمع و امید در مورد خداوند معنا ندارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۶).

متون معتبر دینی ارائه شده، کدام‌اند. در متون دینی و به طور خاص در متون معتبر روایی و اخلاقی شیعی، از امید خوب و بد سخن گفته شده است. برای نمونه، امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه از امید خوب سخن می‌گوید<sup>۱</sup> و این امر نشان می‌دهد که در مقابل، امید بد نیز وجود دارد که باید آن را شناخت و ابعاد آن را تحلیل کرد. برای شناسایی امید خوب، لازم است شرایط و آداب امید خوب و فضیلت‌مندانه در روایات بررسی شود. با تفحص در متون روایی، می‌توان موارد ذیل را از جمله مهم‌ترین شرایط و آداب امید و امیدآفرینی در جامعه دانست.

### الف) امیدآفرینی مبتنی بر معرفت

امام صادق (علیه‌السلام)، امید را از بنیان‌های عرفان و آن را فرع بر یقین دانسته‌اند.<sup>۲</sup> این بدان معناست که امید واهی و امیدی که از سر شناخت نباشد، امید درست و فضیلت‌مندانه‌ای نخواهد بود. امید بستن به آینده، باید با برنامه‌ریزی دقیق و اطمینان نسبت به شرایط باشد. نکته دیگری که در این بیان اشاره شده این است که نشانه امید داشتن، طلب است و انسان امیدوار همواره در تلاش برای دست یافتن به خواسته‌هایی است که آنها را طلب می‌کند. از این رو، عنصر امید همواره باید نوعی جنب و جوش، فعالیت و حرکت‌آفرینی در پی داشته باشد.

### ب) لزوم همگامی با خوف

نکته دیگر در باب اخلاق رجاء، لزوم همگامی آن با خوف است. آن‌گونه که در معنای لغوی امید و رجاء نیز اشاره شد، امید و خوف، ملازم هم هستند. لذا امیدی که همراه با نوعی ترس و نگرانی نباشد، امید واقعی نخواهد بود. نشانه رجاء صحیح و امیدوار بودن درست، آن است که بعد از خوف انجام بگیرد، و توأم با انجام وظایف الهی محقق شود، و اگر بدون این دو علامت، ظهوری از امیدواری دیده شد، به طور مسلم از آثار غفلت و از نشانه‌های

۱. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ صَلَاةً تُعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَمُنُّهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تَنْبَعِثُهُمْ بِهَا عَلَيَّ اِعْتِقَادَ حَسَنِ الرَّجَاءِ لَكَ: بارخداایا، بر تابعان و زنان و فرزندانمان و هر که از ایشان مطیع فرمان تو باشد، از امروز تا روز واپسین درود بفرست؛ درودی که به برکت آن، ایشان را از نافرمانی خود بازدارد و باغ‌های بهشت به رویشان گشاده‌گردانی و از کید شیطانشان نگهداری و امید به لطف و کرم خویش در دل آنان پدیدآوری» (علی‌بن‌الحسین، ۱۳۷۶: ش: ۴۴).

۲. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَجْوَى الْعَارِفِينَ تَدْوَرُ عَلَيَّ ثَلَاثَهُ أَصُولُ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ وَ الْحُبِّ فَالْخَوْفُ فَرَعُ الْعِلْمِ وَ الرَّجَاءُ فَرَعُ الْيَقِينِ وَ الْحُبُّ فَرَعُ الْمَعْرِفَةِ: حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید که: اطوار و احوال عرفا و اهل سلوک و ریاضت دائر بر سه اصل است: که خوف است و رجاء و حب، یعنی هر عارفی باید ملازم این سه اصل باشد و از این‌ها منفک نباشد. خوف ثمره دانش، امید ثمره یقین، و حب ثمره معرفت است.» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: اق: ۱۱۹)



اغواء شیطانی خواهد بود (جعفر بن محمد (ع)، ۱۳۶۰: ۴۰۴). در تعبیر روایی امام صادق علیه السلام درباره امیدواری انسان به عنایات الهی، آمده است: «هر کس عارف به خداوند باشد، از خداوند ترسان خواهد بود. رجاء و ترس، دو بال ایمان هستند که بنده برای یافتن رضوان الهی به هر دو بال نیاز دارد».<sup>۱</sup> مطابق این سخن، امید بدون دلهره و ترس، تنها یک بال است و انسان با یک بال توانایی پرواز ندارد. باید خوف هم در کنار امید همواره وجود داشته باشد تا انسان بتواند در مسیر تعالی حرکت کند. از وصایای امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب این است: «به عنایات الهی آن گونه امیدوار باش که موجب جرأت یافتن بر انجام معصیت نشود و آن گونه خائف باش که خوف تو به یأس و نومیدی مبدل نشود».<sup>۲</sup> این نوع رجاء از خصوصیات انسان مؤمن بیان شده است: «هیچ انسان مؤمنی نیست مگر اینکه از نوعی امید همراه با خوف، برخوردار است».<sup>۳</sup> بنده ای که در دلش خوف و رجاء باشد، خداوند همه آرزوهای او را برآورده می کند و او را از هر چه می ترسد، آسایش می دهد (مجلسی، ج ۲، ۱۳۷۸: ۷۸).

### ج) امید واقع بینانه

واقع بینی در مسئله امید، از دیگر شرایط و آداب است. از وصایای امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی این است: «یا جابر، إِيَّاكَ وَ الرَّجَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْخَوْفِ الصَّادِقِ؛ همواره از امید بستن دروغین بپرهیز؛ زیرا به واقع تو را دچار ترس حقیقی خواهد کرد» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۵). اینکه انسان با نگاه واقع بینانه به زندگی و محیط اطراف خود بنگرد، برای تنظیم برنامه در جهت پیشبرد اهداف انسانی بسیار موثر است. از این رو، مقوله امید گرچه ناظر به داشته های موجود و در دسترس انسان نیست، اما باید بر نوعی نگاه واقع بینانه مبتنی باشد و امکان تحقق و دستیابی به آن وجود داشته باشد. بر این اساس، از جمله آداب صحیح بودن امید، مؤثر بودن آن در زندگی است و تنها در صورتی اثر واقعی

۱. مَنْ كَانَ بِاللَّهِ عَارِفًا كَانَ مِنَ اللَّهِ خَائِفًا وَ إِلَيْهِ رَاجِعًا وَ هُمَا جَنَاحَا الْإِيمَانِ يَطِيرُ بِهِمَا الْعَبْدُ الْمَحْقَقُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ؛ آن کس که خدا را بشناسد حتماً دارای خوف از خدا و رجاء از او خواهد بود و این دو صفت مانند دو بالی است که بنده متصف به این پرواز می کند و به مقام رضوان خدا نائل می شود (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۸۰).  
 ۲. «رَجَّ اللَّهُ رَجَاءً لَا يَجْرِيكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفَهُ خَوْفًا لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ امیدوار به خدا باش، اما آن امیدواری که باعث جرأت بر گناه در تو نشود؛ و از خدا بترس اما نه ترسیدنی که موجب یأس تو از رحمت خداوند باشد» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۴).  
 ۳. «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَجْتَمِعُ فِي قَلْبِهِ خَوْفٌ وَ رَجَاءٌ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا أَمَّلَ وَ أَمَنَهُ مِمَّا يَخَافُ؛ مؤمنی نیست که در قلبش بیم و امید جمع شده باشد، مگر این که خدا آنچه را امید داشت به او عطا می کند و او را از آنچه بیم داشت، در امان می دارد» (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶: ۳۸۲).



خواهد داشت که امید واقعی باشد و مبتنی بر نوعی نگرش واقع‌بینانه شکل گرفته باشد. حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه افرادی را که ادعای امیدواری می‌کنند، ولی اثری از امید در زندگی آنها دیده نمی‌شود تقیح کرده است؛ زیرا امید آنها واقعی نیست. امام علی علیه‌السلام به عنوان یک اصل بنیادین در حوزه امیدواری می‌فرماید: «كُلُّ مَنْ رَجَا عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ؛ امیدواری انسان‌ها را باید از روی اعمال و رفتارهای واقعی آنها شناخت» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۵).

#### د) مقرون بودن به عمل

یکی دیگر از آداب امید لزوم مقرون بودن آن با عمل است. در متون روایی اسلامی و توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام آمده است: «اعلموا أن رجاء من دون العمل غرور محض و سفه بحت؛ امیدواری بدون عمل، نوعی سفاهت و غرور محض است» (سلیمانی آشتیانی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۲۱۲). بر این اساس، هم در حوزه رفتارهای فردی و هم در حوزه اجتماعی و سازمانی، امیدهای واهی و غیرمقرون با عمل، ناپسند محسوب می‌شود. بر این اساس، امیدوار بودن یک فرد، با مشاهده تأثیراتی که بر زندگی و عملکرد او دارد، سنجیده می‌شود. از این رو، مردمان و یا حاکمان یک کشور در صورتی امید واقعی دارند و امید صادقانه رادر جامعه تزریق می‌کنند که بسان کشاورز و باغبانی که به امید محصول، همواره به آبیاری مرتب باغ و دفع آفات می‌کوشد و مقدمات پرورش محصول را فراهم می‌سازد، همواره در جهت پرورش نظام در تلاش باشند. بنابراین در صورتی که کارگزاران، بسان باغبان و کشاورزی باشند که ادعای چنین امیدی را دارد، ولی در خانه نشسته و دست به کاری نمی‌زند، طبیعی است که چنین امیدی کاذب، خیالی و امری موهوم است.

#### ه) توحید محور بودن

از جمله آداب امید داشتن، امید مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است. به تعبیری، متعلق امید باید خداوند متعال باشد و یا در نهایت، غایاتی که انسان بدان‌ها امید بسته است، به خداوند ختم شود. امید واقعی را تنها باید به خداوند داشت، زیرا توفیق انسان‌ها همواره به اراده خداوند است. بر همین اساس، در متون دینی و روایی و به طور خاص در تعبیر معصومین علیهم‌السلام، تعبیری چون «اللَّهُمَّ أَنْتَ مُنْتَهَى غَايَتِي وَ رَجَائِي؛ خداوندا، تنها تو امید من هستی» (ابن بابویه،



ج ۱، ۱۴۱۳ق: ۴۹۲)، «لا رجاء لسواك؛ امیدی به جز تو نیست» (ابن بابویه، ج ۳، ۴۱۶)، «إِلَيْكَ هَمِّي وَ رَجَائِي؛ تمام تلاش و امید من به سوی توست» (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ص ۵۱۲)، و تعابیری از این دست، زیاد مشاهده می‌شود. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «چون یکی از شما بخواهد امید به رحمت الهی داشته باشد، لازم است از تمام مردم مأیوس شود و امید و نظری غیر از پروردگار متعال نداشته باشد.» (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۷۸-۷۹). بنابراین، نوع جهان‌بینی فرد بر صحیح بودن امید او مؤثر است و از جمله آداب رجاء واقعی، عدم تعلیق و وابستگی به دنیای مادی است. امید نتیجه‌بخش، امیدی است که انسان ضمن اعتقاد به ناپایداری دنیا از آن برخوردار باشد.<sup>۱</sup> به تعبیر دیگر، برخی انواع امید تنها در سایه ایمان و برخورداری از جهان‌بینی الهی معنا می‌یابد. لذا در متون روایی معتبر و از جمله در کتاب وسائل الشیعه، بابی با عنوان «بَابُ اسْتِحْبَابِ الدُّعَاءِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الرَّجَاءِ لِلرِّزْقِ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» وجود دارد. (نوری، ج ۱۳، ۴۹۸ق: ۳۸)

#### و) ثبات در امیدواری

از جمله آداب امیدواری، ثبات، صبر و پایدار بودن بر آن است. در منابع روایی از دو نوع رجاء ثابت و عارض سخن گفته شده است:<sup>۲</sup> «رجای ثابت و عاکف» در دل انسان برقرار و راسخ است و این صفت از رسوخ و ثبوت محبت و علاقه کشف می‌کند، و عکوف به معنی الزام در توقف و محبتس بودن در محل است. «رجای بادی و عارض» که گاهی ظهور و جلوه می‌کند و به تدریج موجب برقراری و رسوخ حقیقت عجز و قصور و فقر می‌شود، و صفت حیا و شرم را در مقابل عظمت و الطاف و رحمت‌های الهی ثابت می‌کند. خوف ثابت، قهرا انسان را به رجاء صحیح خواهد رساند؛ چون رجا در حقیقت موجب تحکیم ارتباط و تشدید حسن ظن و توجه به عذوفت، لطف و رحمت است، لذا به طور حتم، سالک را به مقام محبت می‌رساند و مراحل محبت را در دل او رفته رفته شدیدتر و محکم‌تر خواهد کرد (جعفر بن محمد، ۱۳۶۰: ۴۰۴).

۱. عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَقْتَنُونَ - وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ: ابن ابی یعقوب از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: دل هر کس که به دنیا وابسته شود، به سه خصلت دچار می‌شود: اندوهی که به پایان نمی‌رسد، آرزویی که به دست نمی‌آید و امیدی که به آن نمی‌رسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۷).

۲. «الرَّجَاءُ رَجَاءَانِ مِنْهُ عَاكِفٌ وَ بَادٍ فَالْعَاكِفُ مِنْهُ يُورَثُ خَوْفًا نَابِتًا يَقْوَى نَسَبَةَ الْمَحَبَّةِ وَ الْبَادِي مِنْهُ يَصِحُّ أَمَلُ الْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ وَ الْخِيَاةِ؛ رَجَاءٌ دُو قِسْمِ اسْتِ: اول، رجای عاکف؛ دوم، رجای بادی. در رجای عاکف، صفت رجا از برای صاحب رجا، ملکه و جبلی باشد و این صفت در او راسخ است و قوت این رجا موجب قوت نسبت محبت است. رجای بادی، در مرتبه حال است و به مرتبه ملکه نرسیده است و به اظهار عجز و تقصیر نیاز دارد» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق: ۱۸۱).

مطابق آنچه گفته شد و نیز ویژگی‌های دیگری که برای امید صادقانه در متون روایی آمده است، به خوبی می‌توان به عمق این مسئله پی برد که چرا رهبر انقلاب تأکید می‌کند که «این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام» (بیانیه گام دوم انقلاب). از منظر ایشان، امیدی که مبتنی بر معرفت، همگام با خوف، مقرون به عمل، و ثابت و پایدار نباشد، در حقیقت امید صادقانه و واقع‌بینانه‌ای نیست، بلکه کاذب و فریبنده است. همچنین، امیدی که بر محور جهان‌بینی توحیدی صورت نگرفته و نوعی آسوده‌دلی و بی‌خیالی را در پی داشته باشد، از نظر ایشان، امید صادقانه، معقول و فضیلت‌مندانه نخواهد بود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، از امیدآفرینی به عنوان ریشه‌ای‌ترین جهاد یاد کرده و فرموده‌اند: «شما جوانان باید در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید... این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست.» به طور قطع، مراد ایشان، امید برخوردار از شرایط مذکور و متخذ از متون روایی شیعی است. این نوع امید را که برخوردار از صفات و آداب مذکور در متون دینی است، باید مبلغان دین بشناسند و آن را در جامعه ایجاد کنند. در حقیقت، اهمیت این ویژگی‌ها برای امیدآفرینی صادقانه باعث شده است تا رهبر انقلاب امیدآفرینی را وظیفه مبلغان دینی بداند تا آن را به عنوان یک آموزه دینی و الهی، در جامعه ترویج دهند. در بیانات ایشان است که «وظیفه مبلغ دین و مبلغ معنویت و پیام‌آور حقیقت این است که مردم را امیدوار کند و یأس را از آنها بزدايد. یأس، بزرگ‌ترین دشمن يك ملت است. باید تلاش شود تا یأس از مردم زدوده شود.» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۱۰/۳). ایشان همچنین، در بیانیه گام دوم تصریح کرده‌اند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.» در واقع، با امیدآفرینی در این نیروها، امید فضیلت‌مندانه و صادقانه در جامعه ایجاد می‌شود.

### ۳. پیامدهای بی‌توجهی به ویژگی‌های امید صادقانه در جامعه اسلامی

در صورت بی‌توجهی به ویژگی‌ها و الزامات امید و امیدآفرینی صادقانه که بخشی از آن برمبنای متون روایی شیعی بیان شد و بالطبع مورد نظر رهبر معظم انقلاب نیز هست، خطرات و آسیب‌هایی متوجه جامعه اسلامی خواهد شد. برای نمونه می‌توان به پیامدهای زیر اشاره کرد.





## الف) آسوده‌دلی و بی‌خیالی

همان‌طور که گفته شد، باید همواره با نوعی خوف همراه باشد و نباید موجب طمع‌ورزی شود. در سخنان حضرت علی علیه‌السلام آمده است: «وَ ذَلِكَ الْقَلْبُ وَ ذَلِكَ أَنَّ لَهُ مَوَادَّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَدْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ؛ این قلب که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن در او وجود دارد، اگر در این دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد، و اگر نومیدی بر آن چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای درآورد» (حکمت ۱۰۸). مطابق این سخن، ایشان امیدی که موجب طمع باشد را تباه‌کننده دل دانسته و بیان داشته‌اند که امید تا حدی ستوده است که به آسوده‌دلی و بی‌خیالی نرسد (فیض کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۵۲).

## ب) یأس و آرزواندیشی نامعقول

از جمله شرایط امید صادقانه، واقع‌بینانه بودن آن و امکان تحقق آن است. طبیعی است هنگامی که انسان به چیزی امید می‌بندد به وقوع و تحقق آن دلخوش است و در صورتی که آن امر محقق نشود، نوعی حس دلسردی و سرخوردگی در فرد ایجاد خواهد شد. این امر می‌تواند هم در حوزه امیدهای فردی مورد توجه باشد و هم امیدآفرینی‌هایی که سران جامعه در میان مردم ایجاد می‌کنند. برای نمونه، نامزد انتخاباتی با هدف دریافت رأی وعده‌های غیرواقع‌بینانه به مردم می‌دهد، در حقیقت با این عمل خود نوعی امید کاذب در بین مردم ایجاد نموده و پس از مدتی کوتاه که وعده او محقق نمی‌شود، موجی از ناامیدی و یأس در جامعه ایجاد خواهد شد. به بیان روشن‌تر، در صورتی که امید معقول با ویژگی‌هایی که بیان شد، به جامعه تزریق نشود، جامعه و افراد، دچار نوعی یأس و آرزواندیشی نامعقول خواهند شد.

## ج) بهره‌وری دشمنان از پروژه ناامیدسازی

رهبر انقلاب معتقدند که یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و یادی آن، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند (بیانات در دیدار با اقشار مردم، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). از نظر ایشان، ترس دشمن از امید مسلمانان است. «آنان از فکر روزی که

امت اسلامی يك پارچه و امیدوار به پاخیزد، به خود می لرزند» (خطاب به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۲/۱۱/۰۸). لذا مقام معظم رهبری همواره نسبت به سوءاستفاده دشمن هشدار داده‌اند و خطر درجه اول برای جامعه مسلمین را «ناامیدی» می‌دانند. «خطری که در مردم تداوم این حرکت سرافرازانه را تهدید می‌کند، در درجه اول، عبارت از ناامیدی است. اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده این حرکتشان ناامید کند، ضربه خود را زده است. این خطر عمده است» (بیانات در یازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹/۰۳/۱۴). در بیانیه گام دوم نیز از این امر به عنوان خواسته دشمن یاد می‌کنند و معتقدند: «توجه دشمن و تلاش وی در [راستای] از بین بردن امیدواری است، و در جهت دست یافتن به این هدف، از خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ [بهره می‌برد]». بنابراین، ناامیدسازی، یکی از تخریب‌های اصلی دشمنان نظام در دوره دوم انقلاب اسلامی خواهد بود. لذا رهبری در این بیانیه تلاش کرده‌اند تا این امر را به دل‌بستگان به نظام جمهوری اسلامی گوشزد فرمایند که مبادا رعایت نکردن شرایط و آداب امیدآفرینی، باعث شود کارگرانی که خود را متصدی ایجاد امید می‌دانند، ناخواسته همگام با دشمن پروژه ناامیدسازی را جلو ببرند.

#### د) ایجاد روان‌پریشی در جامعه

امیدبخشی‌های نامعقول و واهی به مردم می‌تواند پله‌ای برای اصحاب سیاست شود تا با وعده‌های غیرواقعی مطابق با امیال شخصی یا سیاسی خود، امیدی کاذب در مردم ایجاد کنند و از این طریق، به عنوان منتخب مردم، بر آنها مسلط شوند. این در حقیقت همان استثمار یا بهره‌کشی سیاسی از شهروندانی است که با امیدواری کاذب فریفته شده‌اند. عملکرد برخی سیاسیون به گونه‌ای است که با وعده‌های غیرواقعی و نامعقول، امید را در مردم ایجاد می‌کنند، اما پس از انتخاب و ورود به عرصه مسئولیت، در حالی که در انجام وعده‌های خود ناکام مانده‌اند، به فرافکنی و روان‌پریشی در جامعه دامن می‌زنند. پای‌بندی به آداب و اخلاق امید، و ملتزم بودن به خصوصیات مذکور در باب امید و امیدآفرینی می‌تواند از این پدیده نابهنجار جلوگیری کند. رهبر انقلاب که در بیانیه گام دوم بر امید صادقانه تأکید دارند،



نسبت به سوءاستفاده‌های سیاسی در راستای بهره‌کشی از مردم هشدار داده و امیدآفرینی‌های واهی و غیرواقعی را موجب روان‌پریشی دانسته‌اند. «یکی از پیام‌هایی که حتما باید منتقل شود، نفی دشمن‌سازی‌های موهوم، توسعه‌ی تفاهم اجتماعی و ایجاد امنیت روانی در جامعه است. یکی از عواملی که در ذهنیت کل جامعه، به قول روان‌شناسان «روان‌پریشی» به وجود می‌آورد، ناامیدی و یأس است» (بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما، ۱۵/۱۱/۱۳۸۱). در نظر ایشان، از جمله حربه‌های دشمن در جنگ روانی، استفاده از امیدهای کاذب و موقت برای گسترش یأس و ناامیدی در جامعه است. لذا ایشان پرهیز از سوءاستفاده از شعارهای انتخاباتی را گوشزد و توصیه می‌کنند که برخلاف تلاش خصمانه دشمن، با رعایت اخلاق انتخاباتی، «انتخابات را وسیله‌ای بکنید برای اینکه دشمنان را ناامید کنید» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۳۱/۰۶/۱۳۸۶).

با توجه به پیامدهای این‌چنینی که نتیجه ایجاد امیدهای کاذب در جامعه است، رهبر انقلاب بیشترین همت خود را در امیدآفرینی صادقانه در بین مردم به کار گرفته‌اند؛ امیدی صادقانه و واقع‌بینانه که شرایط اخلاقی امید و امیدآفرینی در آن به خوبی رعایت شده است. چنین امیدی، آثار و پیامدهایی برای جامعه خواهد داشت که از جمله آنها می‌توان به ایجاد روحیه شجاعت و شهامت، ثبات و پایداری و نشاط اجتماعی در بین مردم اشاره کرد. از نظر رهبری، امید صادقانه و فضیلت‌مندانه و برخوردار از شرایط مذکور، مایه پیشرفت و عزت و پیش‌برنده ملت خواهد بود. ایشان تصریح می‌کنند که امید مبتنی بر اخلاق و آداب اسلامی، با مقوله پیشرفت عجین است و ملتی که ناامید باشد، و از آینده خود مأیوس باشد، پیشرفت نخواهد کرد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۰۹/۰۷/۱۳۷۸).

### نتیجه‌گیری

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، امید را «کلید اساسی همه قفل‌ها» دانسته و در عین حال، بر این امر تأکید داشته‌اند که «مراد من، امید صادق و میکی بر واقعیت‌های عینی است». وجود این دو نکته در کنار یکدیگر در بیانیه گام دوم، بیانگر این است که از نظر ایشان، منطق امیدآفرینی در جامعه و آداب و شرایط آن باید مورد تحلیل قرار گیرد. تحلیل منطق امیدآفرینی بر مبنای روایات و متون معتبر شیعی نشان می‌دهد که امیدآفرینی مبتنی بر



معرفت و جهان‌بینی توحیدی، همگام بودن با خوف، واقع‌بینانانه بودن، مقرون بودن به عمل، و برخوردار بودن از نوعی ثبات و پایداری از جمله مشخصه‌های امید صادقانه است که در نظام مبتنی بر احکام و باورهای دینی، باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو، ضروری است که از امیدبخشی‌های نامعقول و واهی، امیدهای کاذب و غیرمبتنی بر واقع، و امیدآفرینی‌های مقطعی و مصلحت‌اندیشانه پرهیز شود و امید صادق و مبتنی بر واقعیت‌های عینی به جامعه تزریق شود. در صورتی که کارگزاران نظام و آحاد مردم خود را به اخلاق امید و اقتضانات و الزامات امیدآفرینی صادقانه ملتزم کنند، جامعه در مسیر صحیح خود قرار می‌گیرد و در مسیر تحقق تمدن نوین در چهل ساله دوم انقلاب، گام بر خواهد داشت. بنابراین، از منظر رهبر انقلاب، حفظ امید به عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری در دین اسلام، از مهم‌ترین وظایف مبلغان و نیروهای متعهد باایمان است. طبیعی است، امیدی که بر مبنای اخلاق امید در جامعه ایجاد شود، آثار و پیامدهایی از جمله تقویت روحیه شجاعت و شهامت، ثبات و پایداری، و نشاط اجتماعی در پی خواهد داشت و مایه پیشرفت و عزت خواهد بود. ضروری است مسئولان در راستای بسترسازی برای تحقق این نوع امید - که از مطالبات رهبری معظم در بیانیه گام دوم است - تلاش و برنامه‌ریزی عملی کنند.

### منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۶۷)، ترجمه من لا یحضره الفقیه، تهران، ج ۳، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، چاپ دوم، قم.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱۴، چاپ سوم، بیروت.
- جعفرین محمد، امام ششم علیه‌السلام (۱۳۶۰)، مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق(ع))، ترجمه مصطفوی، چاپ اول، تهران.
- جعفرین محمد، امام ششم علیه‌السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق(ع))، چاپ اول، بیروت.
- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، النص، چاپ دوم، قم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، چاپ دوم، تهران.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت - دمشق.
- زبیدی، محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، چاپ اول، بیروت.
- زبیدی، محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹ و ۱۴ و ۱۹، چاپ اول، بیروت.
- سلیمانی آشتیانی، مهدی و محمد حسین درایتی (۱۳۸۷)، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ایران، چاپ اول، قم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، چاپ اول، قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، ج ۵، چاپ سوم، تهران.
- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام (۱۳۷۶ش)، الصحیفه السجادیه؛ چاپ اول، قم.
- علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، چاپ اول، مشهد.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۹۰)، حقایق، ترجمه حمیدرضا صادقی، انتشارات آیت اشراق، قم.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، ج ۲، چاپ دوم، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، ج ۷، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۸)، ایمان و کفر، ج ۲، چاپ اول، تهران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد، مفتاح الجنان، چاپ اول، بیروت.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، چاپ اول، قم.

